



Statutory Definition and Its Governing Criteria

ARTICLE INFO

DOI:10.48311/clr.2025.101675.0

Article Type

Research Article

Authors:

¹ Safar Beigzadeh 

ORCID: <https://0000-0002-4841-1197>

Affiliation:

¹ Assistant Professor in Private Law,
Iranian Research Institute for
Information Science and Technology,
Tehran, Iran

Correspondence:

Email: S.sabaa@yahoo.com

Article History:

Received: 2025/05/17

Received in Revised form: 2025/12/03

Accepted: 2025/12/04

Abstract

This paper focuses on the concept of the “statutory definition” within the Iranian legal system and compares it with logical and comparative-legal approaches. It examines the place and function of definition in legislative texts, drawing on sources ranging from Aristotle to the ideas of Islamic jurists and modern legal doctrines. The study demonstrates that, in logic, definition is concerned with discovering the essence of things, whereas in law, it serves as an instrument for eliminating ambiguity and delimiting the conceptual scope of words and terms. By analyzing the structure, function, and role of statutory definitions, the paper reveals the weaknesses that exist in Iranian legislative drafting, including the confusion between definition and abbreviation, the lack of comprehensiveness and exclusivity, and the neglect of consistency between definitions and the practical context of the law. It argues that a statutory definition should be regarded as a communicative and empowering statement that, while preventing ambiguity, accurately conveys the legislator’s intent to its audience. Exploring the theoretical foundations of the issue in jurisprudence as well as in legal and statutory texts, this paper suggests that, rather than avoiding definitions, the Iranian legislator should focus on formulating systematic, stable, and linguistically and contextually grounded definitions so as to ensure uniform interpretation and application of the law. The research method employed in this study is analytical–descriptive with a comparative approach. The data were collected and analyzed through documentary and library research. Moreover, a comparative analysis between the Iranian legal system and the Romano-Germanic and Common Law systems was conducted to identify differences in the understanding of statutory definition and its role in the legislative drafting process. This approach has made it possible to identify methodological deficiencies in Iranian legislative drafting concerning statutory definitions.

Keywords: Iranian law, Statutory Definition, Interpretation of Law, Legislation, Legislative Drafting





تعریف قانونی و معیارهای حاکم بر آن

صفر بیگزاده*

استادیار، پژوهشگاه علوم و فناوری اطلاعات ایران (ایراندک)

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۹/۱۳

تاریخ بازنگری: ۱۴۰۴/۰۹/۱۲

تاریخ ارسال: ۱۴۰۴/۰۲/۲۷

چکیده

این نوشته با تمرکز بر مفهوم «تعریف قانونی» در نظام حقوقی ایران و تطبیق آن با رویکردهای منطقی و حقوق تطبیقی، به بررسی جایگاه و کارکرد تعریف در متون قانونی پرداخته و با تکیه بر منابع موجود، از ارسطو تا اندیشه‌های فقهای اسلامی و دکترین حقوق مدرن، نشان داده که تعریف، در منطق ناظر بر کشف ماهیت است، در حالی که در حقوق، ابزار رفع ابهام و تحدید قلمرو مفهومی واژه‌ها و اصطلاحات است.

مقاله با تحلیل ساختار، عملکرد و نقش تعریف قانونی، ضعف‌های موجود در قانون‌نویسی ایران، از جمله خلط میان تعریف و اختصار، عدم جامع و مانع بودن و بی‌توجهی به همخوانی تعاریف با بافت کاربردی قانون را آشکار ساخته است. مقاله تأکید دارد که تعریف قانونی باید همچون گزاره‌ای ارتباطی و توانمندساز تلقی شود که ضمن جلوگیری از ابهام، قصد قانون‌گذار را به دقت به مخاطبان منتقل کند. این مقاله، ضمن واکاوی پیشینه نظری موضوع در فقه و متون حقوقی و قانونی، پیشنهاد می‌کند که قانون‌گذار ایرانی به جای پرهیز از تعریف، به تدوین تعاریف روش‌مند، باثبات و مبتنی بر تحلیل زبانی

Email: S.sabaa@yahoo.com

* نویسنده مسئول مقاله:



کپی‌رایت © ۲۰۲۶، انتشارات دانشگاه تربیت مدرس (TMU Press). این مقاله به صورت دسترسی آزاد منتشر شده و تحت مجوز بین‌المللی Creative Commons Attribution-NonCommercial 4.0 قرار دارد. بر اساس این مجوز، شما می‌توانید این مطلب را در هر قالب و رسانه‌ای کپی، بازنشر و بازآفرینی کنید و یا آن را ویرایش و بازسازی نمایید، به شرط آنکه نام نویسنده را ذکر کرده و از آن برای مقاصد غیرتجاری استفاده کنید.



و بافت‌محور بپردازد تا وحدت تفسیر و اجرای قانون تضمین گردد. روش تحقیق در این مقاله تحلیلی — توصیفی با رویکرد تطبیقی است و داده‌ها از طریق مطالعه اسنادی و کتابخانه‌ای گردآوری و تحلیل گردیده‌اند. همچنین از روش تحلیل تطبیقی میان نظام حقوقی ایران و نظام‌های حقوقی رومی — ژرمنی و کامن‌لا بهره گرفته شده تا وجوه افتراق در تلقی از تعریف قانونی و کارکرد آن در فرایند قانون‌نویسی روشن شود. این روش امکان شناسایی کاستی‌های روش‌شناختی قانون‌نویسی ایران را در حوزه تعریف‌گذاری حقوقی فراهم ساخته است.

کلیدواژه‌ها: حقوق ایران، تعریف قانونی، تفسیر قانون، قانون‌گذاری، قانون‌نویسی

۱. مقدمه و بیان مسئله

۱-۱. تعریف منطقی

تعریف در لغت «شناساندن، معرفی کردن، آگاهانیدن و حقیقت امری را بیان کردن» معنا شده است (فرهنگ فارسی معین، ذیل «تعریف»). جرجانی در تعریفات در بیان معنای تعریف گفته: «عِبَارَةٌ عَنْ ذِكْرِ شَيْءٍ تَسْتَلْزِمُ مَعْرِفَتَهُ مَعْرِفَةَ شَيْءٍ آخَرَ» (جرجانی، ص ۶۶، ذیل «تعریف»). در اصطلاح اهل منطق و فلسفه، تعریف یعنی «مجموع تصورات معلومی است که موجب کشف تصویری مجهول گردد» (خوانساری، ص ۵۷، ذیل «تعریف») و به سخن دیگر، «عبارت است از زدودن جهل نسبت به امری با توسل به علم به امور دیگر» (دانشنامه جهان اسلام، ذیل «تعریف»). «سابقه بحث تعریف به فلسفه یونان و به طور خاص به ارسطو و گزارش وی از این موضوع برمی‌گردد. بر اساس نظر ارسطو، تعریفی درست (حقیقی) است که بتواند به ذات و ماهیت حقیقی معرفت برسد» (همان‌جا)؛ و از این رو به دنبال یافتن «جنس» و «فصل» است (جعفری لنگرودی، فن استدلال، ص ۲۰).

تعریف را اول‌بار اهل منطق صورت‌بندی و مفهوم‌انگاری کرده‌اند و دیگران بیش و کم روش آنان را پذیرفته‌اند. در مقام تعریف، دو اصطلاح وجود دارد: معرفت، یعنی مجموع تصورات معلوم که به کار کشف مجهول بیاید و معرفت، یعنی تصور مجهولی که به وسیله تصورات معلوم، معلوم می‌شود (خوانساری، ص ۱۳). بدین ارائه تعریف همواره برای تبیین و



معرفی دقیق معرّف به کار نمی‌رود، بلکه همچنین برای آن است که ذاتیات آن‌ها را به شکل جامع و مانع بیان کرده، عرضیات آن‌ها را آشکار سازیم تا بدین وسیله امتیاز و وجه تفریق آن‌ها را از موارد مشابه مشخص کنیم (همان، ص ۸۳).

در دانش منطق، تعریف دارای گونه‌های زیر است:

۱. «تعریف حدّی (حدّ تام)»، تعریفی است که در آن، «جنس» (ویژگی‌های مشترک) و «فصل» (ویژگی‌های متمایزکننده) یک موضوع به شکل کامل ذکر می‌شود. این نوع از تعریف به گونه دقیق و جامع، ماهیت یک شیء یا مفهوم را کاملاً بیان می‌کند. این گونه از تعریف به‌ویژه برای تعریف‌های فلسفی، علمی و ریاضی به کار می‌رود. برای نمونه در تعریف حدی انسان گفته می‌شود: «انسان حیوان ناطق است» که در آن، «حیوان» جنس است و «ناطق»، فصل. از میان اقسام تعریف فقط حد تام است که به هدف اصلی نائل می‌شود و دیگر اقسام تنها می‌توانند موجب تمیز معرّف از تمام اغیار یا بعضی از آن‌ها شوند (دانشنامه جهان اسلام، ذیل «تعریف»).

۲. «تعریف حدّی ناقص (حدّ ناقص)»، تعریفی است که در آن، تنها جنس و ویژگی خاص مورد تعریف بیان می‌شود، بی آن‌که همه ویژگی‌های آن به شکل جامع و کامل ذکر گردد. برای نمونه در این گونه از تعریف، «انسان» ممکن است چنین تعریف شود: «انسان حیوانی است که می‌خندد».

۳. «تعریف رسم تام» که در واقع، گونه‌ای توضیح است و در آن، ویژگی‌های آشکار و لازم مورد تعریف که بیان آن‌ها برای شناخته شدنش ضرورت دارد، بیان می‌شود. برای نمونه، «انسان» را می‌توان به این شکل به رسم تام تعریف کرد: «انسان حیوانی است دارای توانایی اندیشیدن و سخن گفتن».

۴. «تعریف رسم ناقص» که در آن، برخی از ویژگی‌های ضروری و خاص برای شناسایی مورد تعریف بیان می‌گردند، اما همه ویژگی‌ها و جزئیات آن ذکر نمی‌شوند. از این نوع تعریف معمولاً برای تبیین و تعریف مفاهیم کلی یا شناخته‌شده استفاده می‌شود. برای نمونه، تعریف رسم ناقص از «انسان» می‌تواند چنین باشد: «انسان موجودی است که راه می‌رود».



۵. «تعریف شرح‌الاسمی»^۱ که عبارت از تعریفی است که در آن، بدون التفات به ذات و ماهیت مورد تعریف، تنها به معنای لفظی و لغوی آن توجه می‌شود، بدون آن‌که به ویژگی‌های ذاتی اشاره شود یا جنس و فصل مورد تعریف لحاظ گردد. برای نمونه در تعریف شرح‌الاسمی انسان می‌توان گفت: «واژه انسان از ریشه «أُنس» به معنای مراوده داشتن و تعامل با دیگران گرفته شده است» (خوانساری، ۱۴۰۰، ۹۴-۸۹).

باید سخن افرادی مانند فارابی در *تعلیقات* یا ابن سینا در کتاب *الحدود* و یا سهروردی در *حکمه‌الاشراق* را دایر بر ناممکن بودن تعریف حقیقی منطقی پذیرفت؛ زیرا به تعبیر سهروردی «حتی در تعریف محسوساتی مانند جسم، اجزایی ذکر می‌شوند که محسوس نیستند و در آن‌ها شک و اختلاف وجود دارد؛ زیرا انسان‌ها تنها آنچه را که ظاهر و محسوس است در حقیقت شئیء دخیل می‌دانند. وقتی درباره حقیقت شئیء محسوس چنین اختلاف‌نظری وجود دارد، معلوم است که یافتن ذاتیات امور نامحسوس، سخت‌تر و دست‌نیافتنی‌تر است» (*دانشنامه جهان اسلام*، ذیل «تعریف»).

«در برابر تعریف حقیقی، تعریف اسمی قرار دارد که به جای بیان ذات شئیء، به شرح معنای زبانی و عرفی معرف می‌پردازد که همان شرح‌الاسم است» (*دانشنامه جهان اسلام*، ذیل «تعریف») و از این رو، «از کسانی که قانع به شرح اسم در تعاریف هستند، نباید انتظار تعریف علمی داشت» (جعفری لنگرودی، *سیستم‌شناسی*، ص ۱۴۶).

۲-۱. تعریف قانونی

در متون قانونی همه کشورهای جهان، کم و بیش، تعریف‌های فراوانی از سوی قانون‌گذاران ارائه می‌شود؛ چنان‌که «تنها در قوانین ایالات متحده آمریکا، بیش از ۲۵۰۰۰ واژه تعریف شده است» (Price, 2013, P. 999).

تعریف منطقی به شکلی که ارسطو بیان می‌کند، در دانش حقوق کارایی ندارد، یعنی در حقوق نمی‌توان عقد را آن‌گونه که درباره انسان رخ داده و به حیوان ناطق (مركب از جنس و

1. definition by description یا descriptive definition



فصل) تعریف کرده‌اند، عمل کرد و از همین رو، در فقه به جای منطق ارسطویی، علم اصول فقه ایجاد شده که در مسیر استدلال شیوه خود را دارد (جعفری لنگرودی، *فن استدلال*، ص ۲۰). «تعاریف ناظر به ماهیات هستند که در فقه از آن‌ها تعبیر به «حقیقت» می‌کنند و گاه واژه ماهیت را هم به کار می‌برند» (همان، ص ۷۳).

تعریف قانونی^۲ که از گونه‌های تعریف قراردادی^۳ شمرده می‌شود و با اصطلاح «وضع تعینی» در دانش اصول فقه منطبق است، در متون قانونی کاربرد بسیار دارد و در آن، بدون التفات به ذات و ماهیت مورد تعریف، تنها به معنای لفظی و لغوی آن توجه می‌شود، بدون آن‌که به ویژگی‌های ذاتی اشاره شود یا جنس و فصل مورد تعریف لحاظ گردد. فقیهان اسلامی با توجه به عدم کارایی تعریف منطقی در فقه به دنبال شرح اسم رفتند که بر «شناخت ماهیات در عمل و اجزای آن» متمرکز است (جعفری لنگرودی، *فن استدلال*، ص ۸۳). سابقه تعریف شرح‌الاسمی تا کتاب *شرح ارشاد* محقق اردبیلی قابل پیگیری است و به جز صاحب جواهر که از طرفداران آن است، آخوند خراسانی «در کتاب *کفایه‌الاصول علی‌الدوام* به آن استناد کرده است» (جعفری لنگرودی، *فن استدلال*، ص ۱۱۸)؛ اما تعریف شرح‌الاسمی نیز چندان آسان نیست و مشکلات خود را دارد؛ از جمله فقدان ضابطه علمی برای تحدید حدود یک ماهیت حقوقی که مبتنی بر انتزاع اجزای آن ماهیت است و چون شناخت اجرا متوقف بر شناخت ماهیت است و گاه شناخت دقیق ماهیت و ناگزیر انتزاع اجزا ناممکن یا محال است، تعاریفی که ارائه می‌گردند، به صواب نزدیک نیستند؛ مانند آنچه درباره احوال شخصیه، جعاله یا سرقفلی دیده می‌شود یا برخی فقیهان در تعریف اجاره گفته‌اند: اجاره قسمی از بیع است، چون در آن، تملیک منفعت صورت می‌گیرد (همان، ص ۸۵-۸۳ و همو، *روش جدید در مقدمه عمومی علم حقوق*، ص ۲۱۲). البته «تعریف لفظی (شرح لفظ) که در آن تنها معنای لغوی لفظ و معادل زبانی و نه معادل منطقی آن بیان می‌شود، غیر از تعریف اسمی است، مانند این‌که بگوییم اسد یعنی شیر. با دقت بیشتر، این بیان را نمی‌توان از انواع تعریف منطقی دانست، زیرا حتی از مراحل

2. statutory definition
3. stipulative definition



ابتدایی ادراک حقیقت یک شیء نیز محسوب نمی‌شود» (دانشنامه جهان اسلام، ذیل «تعریف»)). آنچه را که در قانون تعریف می‌شود، «ماهیت قانونی» نامیده‌اند؛ مانند حق انتفاع در ماده ۴۰ قانون مدنی یا مال غیرمنقول در ماده ۱۲ این قانون (جعفری لنگرودی، مقدمه عمومی علم حقوق، ش ۱۳۲، ص ۱۴۶). هنگامی که قانون‌گذار تعریفی ارائه می‌کند اولاً این نکته فهمیده می‌شود که حکم او بر آن است که تابعان قانون نباید از واژه یا اصطلاح یا عبارتی که او تعریف کرده، معنایی دیگر را اراده کنند و به تعبیری تعاریف قانونی از «بایدهای قانون‌گذار» یا «امر قانون‌گذار» هستند و ثانیاً آشکار می‌شود که تعریف‌های بالفعل و بالقوه دیگری نیز از آن واژه یا اصطلاح و یا عبارت ممکن بوده و قانون‌گذار، تعریف خود را ترجیح داده است.

۳-۱. ضرورت تعریف قانونی و کارکردهای آن

در تعریف قانون گفته شده: قانون آن است که از دستگاه صالح قانون‌گذاری نشأت گرفته و مراحل تصویب، امضا و انتشار را پشت سر گذاشته باشد (قاضی، ۱۳۹۸، ص ۱۸۱) یا قانون عبارت است از: «مجموعه قواعد وضع‌شده توسط مجلس نمایندگان» (اسدی و شهبازی‌نیا، ص ۱۶۲).

«فولر، ذیل عنوان «اخلاق درونی قانون» به هشت وصف «عمومیت»، «انتشار رسمی»، «عطف به ماسبق نشدن»، «وضوح و شفافیت»، «نامتعارض بودن»، «امکان تحقق»، «ثبات نسبی» و «انطباق عمل مقامات رسمی با قانون» اشاره نموده و کاتوزیان، ضمن اعتقاد بر عدم اتفاق نظر درباره اساسی بودن هیچ‌یک از اوصاف قانون، مهم‌ترین آن‌ها را «الزام‌آوری»، «ضمانت اجرا»، «کلی و عمومی بودن» و نیز «اجتماعی بودن» برشمرده است» (Shaterian & Yahyazadeh, 2023).

تعریفی که در متون قانونی از سوی قانون‌گذار ارائه می‌شود، راهی است برای بیان ماهیت یک امر حقوقی (محسنی، قاسمی و دیبانشاد، ۱۴۰۱، ص ۳). برای ارائه تعریف درست، قانون‌گذار یا باید به ماهیت موضوع تعریف توجه کند و یا به اوصاف عرفی یا جوهری آن. ماهیت چیزی است که توسط آن به سؤال از چیستی شیء یا چیزی جواب داده می‌شود



(صلیبا، ص ۵۶۶. نیز خوانساری، ص ۱۵۱)؛ اما تعریف به خودی خود، هرچند مطول و پردامنه، از بیان دقیق مراد قانون‌گذار ناتوان هستند (جعفری لنگرودی، علم حقوق در گذر تاریخ، ص ۱۶۴-۱۶۳)؛ چنان‌که «در طول قرن‌ها، قانون‌گذاران برای تعریف اصطلاحات «کشتی» و «شناور» با چالش‌های زیادی مواجه بوده‌اند و این تعاریف همواره با مشکلات تفسیری بیش‌تری همراه شده‌اند. علاوه بر این، در مواردی که تعاریف قانونی ارائه شده‌اند، قوانین مختلف اغلب تعاریفی را ارائه می‌دهند که به درجات مختلف، با واژگان متفاوتی بیان شده‌اند» (Gauci, 2016).

تعاریف قانونی از سه منظر درخور بررسی هستند: «عملکرد کاربردی آن‌ها، ساختار گزاره‌ای آن‌ها و نقش استدلالی آن‌ها» (Macagno, 2010, P. 200) و روشن است که قانون‌گذار در هنگام ارائه تعریف باید به این سه نکته توجه کرده، با التفات به این‌که تعریف قانونی را چه کسی، کجا و به چه شیوه‌ای ارائه می‌دهد، بر اثربخشی تعریف از این سه منظر بیفزاید.

«تعاریف قانونی از این نظر مهمند که به واژه‌های حقوقی وضوح و دقت می‌بخشند و از این طریق، تفسیر و اجرای یکنواخت آن‌ها را تضمین می‌کنند» (Roznai, 2014)؛ اما «در برخی موارد، عمدتاً هدف ارتباطی دارند و قصد گوینده را روشن می‌سازند و البته گاه تعریف قانونی قدرت‌بخش است؛ به این معنا که یک عملکرد اجرایی دارند و گروه‌ها یا افراد خاص را با حقوق یا تعهداتی مشخص می‌سازند» (Price, 2013, P. 999). «در حقوق، همانند مکالمات روزمره، انواع مختلفی از تعریف وجود دارد: می‌توانیم یک مفهوم را از طریق ارائه نمونه‌ها تعریف کنیم، یا ویژگی‌های اساسی آن را نشان دهیم، یا اجزای سازنده مصداق آن را فهرست کنیم. هر یک از این تعاریف نقش‌های استدلالی متفاوتی در گفتمان حقوقی ایفا می‌کنند» (Macagno, 2010, P. 200). تعاریف را می‌توان به‌عنوان مقدمات در الگوهای پیچیده استدلال در نظر گرفت؛ به این معنا که دو تعریف ناهمگون از یک ماهیت حقوقی می‌تواند دو استدلال متفاوت و مآلاً دو نتیجه حقوقی متفاوت را رقم بزند (Macagno, 2015)؛ چنان‌که تعریف سنتی از مرد به‌عنوان رئیس خانواده (ماده ۱۱۰۵ قانون مدنی ایران) و تعریف نو از آن، بی‌گمان در استدلالی که



قاضی در یک پرونده مربوط به درخواست طلاق به علت بدرفتاری زوج دارد، تأثیر دارد. در نظام حقوقی ایران، بند ۳ از ماده ۳ قانون تدوین و تنقیح قوانین و مقررات کشور (مصوب ۱۳۸۹/۳/۲۵) (که بیانگر وظایف معاونت تنقیح مجلس است) در بیان یکی از وظایف این معاونت می‌گوید: «تدوین شیوه‌نامه نگارش طرح‌ها و لوایح بر اساس چهارچوب‌های علمی و تعریف لغات تخصصی مورد استفاده در موضوعات مختلف جهت استفاده قانونی دستگاه‌های حکومتی به گونه‌ای که تغییر در مراد مقنن نباشد». همچنین در ذیل ماده ۶ دستورالعمل تهیه و تدوین لوایح و مقررات در قوه قضاییه (مصوب ۱۳۹۹/۷/۷ رئیس قوه قضاییه) با عنوان «ضوابط شکلی که در همه متون باید رعایت شود...» نیز گفته شده: «ذکر تعریف یا عبارات اختصاری در هریک از لوایح و مقررات منوط به تکرار بیش از یک بار آن عبارت یا اختصار در آن‌ها است».

در شیوه قانون‌نویسی ایران در سال‌های اخیر، در ماده‌ای که معمولاً ماده ۱ و گاه ۲ قانون است و عنوان «تعاریف» دارد، تعدادی از واژه‌ها و اصطلاحات تعریف می‌شوند؛ اما به‌واقع بسیاری از مواردی که در ذیل «تعاریف» گنجانده می‌شوند، به معنای علمی یا منطقی، تعریف نیستند، بلکه بیان اختصاری عبارت یا نامی هستند که در متن قانون یا مقرر برای یک وزارتخانه یا سازمان و از این دست به کار می‌رود و از این رو، نام این ماده، در صورت وجود، باید «تعاریف و اختصارات» باشد.

۲. پیشینه تحقیق

در فهم رده‌بندی اصطلاحات حقوقی، فارغ از معنا و تعریفی که هر اصطلاح در متون حقوقی یا قانونی در زبان انگلیسی دارد، چندین تزاروس حقوقی معتبر در دسترس است که به پژوهشگران، وکلا و دانشجویان حقوق کمک می‌کنند تا به تعاریف حقوقی واژه‌ها و اصطلاحات دست یابند و برخی از مهم‌ترین آن‌ها عبارتند از: فرهنگ حقوقی بلک،^۴ فرهنگ واژه‌ها و عبارات

4. Black's Law Dictionary (Henry Campbell Black)



قضایی،^۵ اصطلاحنامه حقوقی،^۶ و اصطلاحنامه و فرهنگ حقوقی وست،^۷ فرهنگ حقوقی انگلیسی جویت^۸، در زبان فارسی تزاروس یا اصطلاحنامه‌ای که با این عنوان نوشته شده و اختصاصاً به واژه‌ها و اصطلاحات حقوقی مربوط باشد دو اصطلاحنامه است که از سوی بیگزاده در سال ۱۴۰۳ از سوی پژوهشگاه علوم و فناوری اطلاعات ایران (ایرانداک) منتشر شده و عبارتند از: (۱) اصطلاحنامه دوزبانه حقوق مدنی ایران و (۲) اصطلاحنامه دوزبانه حقوق آیین دادرسی مدنی ایران.

اما درباره تعریف دانشنامه‌ای یا دائره‌المعارفی اصطلاحات حقوقی کتاب‌های فراوانی از سوی حقوقدانان ایرانی تدوین شده که معتبرترین آن‌ها عبارتند از: ترمینولوژی حقوق، نوشته دکتر محمدجعفر جعفری لنگرودی؛ و سیط در ترمینولوژی حقوق، نوشته دکتر محمدجعفر جعفری لنگرودی؛ دانشنامه حقوقی، نوشته مسعود انصاری و محمدعلی طاهری؛ دانشنامه حقوقی، دوره ۵ جلدی، نوشته دکتر محمدجعفر جعفری لنگرودی؛ الفارق، دائره‌المعارف عمومی حقوق، دوره ۵ جلدی، نوشته دکتر محمدجعفر جعفری لنگرودی؛ مبسوط در ترمینولوژی حقوق، دوره ۵ جلدی، نوشته دکتر محمدجعفر جعفری لنگرودی. همان‌گونه که ملاحظه می‌شود حقوقدانان ایرانی، به جز مرحوم دکتر محمدجعفر جعفری لنگرودی چندان علاقه‌ای به تعریف «ویژه و مدون» اصطلاحات حقوقی که برخی از آن‌ها داخل در تعریف‌های قانونی هستند، نداشته‌اند. همان‌گونه که از نام این کتاب‌ها روشن می‌شود، مندرجات آن‌ها به واژه‌ها و اصطلاحاتی مربوطند که ماهیت حقوقی دارند و در متن‌های حقوقی استفاده می‌شوند، اما الزاماً در متون قانونی استفاده نشده‌اند و با این وصف، محتویات این کتاب‌ها از معنای اصطلاحی «تعریف قانونی» فاصله می‌گیرند؛ زیرا تعریف قانونی به تعریفی اطلاق می‌شود که در یک متن قانونی آمده، هرچند ماهیت حقوقی نداشته باشد؛ مانند واژه «آزادگان» (مجموعه قوانین و مقررات سال ۱۳۷۳، ص ۴۰۵، قانون نحوه واگذاری سهام دولتی و متعلق به دولت به ایثارگران

5. Stroud's Judicial Dictionary of Words and Phrases

6. The Legal Thesaurus (William C. Burton)

7. West's Legal Thesaurus & Dictionary

8. Jowitt's Dictionary of English Law



و کارگران، مصوب ۱۳۷۳/۵/۱۲، ماده ۱، تبصره ۱، بند «ب» یا «کارور/اُپراتور» (مجموعه قوانین و مقررات سال ۱۳۹۵، ج ۲، ص ۱۲۶۵، قانون اساسنامه شرکت ملی پست جمهوری اسلامی ایران، مصوب ۱۳۹۵/۴/۱۳، ماده ۲، بند «ث») و یا «منطقه شهری» (مجموعه قوانین و مقررات سال ۱۳۶۲، ص ۱۶۹، قانون تعاریف و ضوابط تقسیمات کشوری، مصوب ۱۳۶۲/۴/۱۵، ماده ۴، تبصره ۳). افزون بر کتاب‌های مذکور، کتاب فرهنگ تعاریف قانونی (از ۱۲۸۵ تا ۱۳۹۰) (بیگزاده، ۱۳۹۰) مشخصاً به تعاریف قانونی در حقوق ایران اختصاص دارد و در آن واژه‌ها و اصطلاحاتی که قانون‌گذار ایرانی از سال ۱۲۸۵ تا ۱۳۹۰ در قوانین، آیین‌نامه‌ها، اساسنامه‌ها و ... آورده به روش الفبایی و تاریخی تدوین و تنظیم شده‌اند. در کنار این فرهنگ‌ها در برخی از مقالات نیز به موضوع تعریف قانونی پرداخته شده؛ هرچند که کلیدواژه «تعریف قانونی» غالباً مورد توجه حقوقدانان ایرانی و ای‌بسا خارجی نبوده تا جایی که در فرهنگ‌های حقوقی معتبر انگلیسی زبان مانند *Black's Law Dictionary* یا *The New Oxford Companion to Law* و یا عنوان «statutory definition» یا «legal definition» دیده نمی‌شود. با این وصف، در ایران حبیبیا و حنیفی (۱۳۹۱)، رشیدی و خادمی (۱۳۹۵)، محسنی، قاسمی و دیبانشاد (۱۴۰۱) در بررسی ماهیت جرم و همچنین نویسندگانی خارجی، مانند پرایس (۲۰۱۳)، مک‌کاگو (۲۰۱۵)، اسپکتور (۲۰۱۸)، رزنای (۲۰۱۴)، بورزفسکی (۲۰۱۹)، ازروالی (۲۰۲۳)، شنندرا (۲۰۱۷)، بارتز (۲۰۰۹)، گامیوا (۲۰۲۰)، مک‌لیود (۲۰۰۹)، شوب (۲۰۱۴)، گوستافسون (۲۰۱۶)، کارنی (۲۰۲۴)، مک‌کاگنو (۲۰۱۵)، گائوسی (۲۰۱۶) و هیل (۲۰۱۷) به موضوع تعریف قانونی پرداخته‌اند و البته همان‌گونه که در متن مقاله کنونی دیده می‌شود، برخلاف نویسندگان ایرانی، نویسندگان خارجی در مقالات خود بسیار دقیق‌تر و علمی‌تر به مفهوم تعریف قانونی نزدیک شده‌اند و آن را بررسی کرده‌اند. افزون بر این، جعفری لنگرودی در کتاب‌های مختلف خود، یعنی در *فن استدلال* (۱۳۸۲)، *علم حقوق در گذر تاریخ* (۱۳۸۷)، *اندیشه و ارتقاء* (۱۳۸۷)، *فلسفه اعلی در علم حقوق* (۱۳۸۲)، *تأثیر اراده در حقوق مدنی* (۱۳۸۷)، *روش جدید در مقدمه عمومی علم حقوق* (۱۳۸۷)، *سیستم‌شناسی* (۱۳۸۶) یا *کاتوزیان در قواعد عمومی قراردادها*، ج ۲ (۱۳۷۶) و *عقود معین ۱* (۱۳۷۶) به موضوع تعریف قانونی، نه به‌عنوان یک کلیدواژه و اصطلاح



حقوقی، بلکه همچون یک موضوع درخور پرداخته‌اند.

۳. تعریف قانونی به مثابه وظیفه قانون‌گذار

قانون‌گذار معمولاً نباید تعریف ارائه بدهد و «مذاقش، بیان احکام است، نه موضوعات» (جعفری لنگرودی، فلسفه حقوق مدنی، ج ۱، ص ۳۳. نیز همو، فن استدلال، ص ۹)، چنان‌که در ماده ۸۸۰ قانون مدنی می‌گوید: «قتل از موانع ارث است...». «در تشریح سنتی... تعریفی از موضوعات به اتباع خود نمی‌دهند. در این باب به تشخیص مردمان بسنده می‌کنند. مثلاً بارها واژه «بیع» را در مفردات مربوطه استعمال می‌کنند، ولی هرگز آن را تعریف نمی‌کنند» (جعفری لنگرودی، فن استدلال، ص ۴۸ و همو، روش جدید در مقدمه عمومی علم حقوق، ص ۶۵ و ۱۳۵)؛ زیرا تعاریف به‌خودی‌خود، هرچند مطول و پردامنه، از بیان دقیق مراد قانون‌گذار ناتوان هستند (جعفری لنگرودی، علم حقوق در گذر تاریخ، ص ۱۶۴-۱۶۳). از این رو، این اندیشه نادرست است که «هر ماهیت حقوقی را به هر حال (چه رسا و چه نارسا) باید در قالب تعریفی در آورد ولو این‌که نام آن تعریف، شرح اسم باشد». (جعفری لنگرودی، اندیشه و ارتقاء، ص ۱۰۰). شاید به همین خاطر، ارائه تعریف در متون مذهبی معمولاً دیده نمی‌شود و شارع همواره فقط بیان حکم می‌کند و این از ممیزات بیان در سخن قانون‌گذار شرعی است و اگر در متون مذهبی تعریفی دیده می‌شود، سخنی است که شارحان و مفسران متون مذهبی ارائه کرده‌اند و گرنه برای نمونه در آیات الاحکام قرآنی، تعریفی از سوی شارع مقدس بیان نشده است. با همین تلقی گفته شده: «معمولاً قانون‌گذار زمانی به تعریف چیزی می‌پردازد که بخواهد به اختلافات پایان دهد یا رویه موجود، برخلاف مورد نظر او باشد و گرنه ارائه تعریف، کار قانون‌گذار نیست» (محسنی، فرید، قاسمی، ناصر و دیبانشاد، محسن، ۱۴۰۱، ص ۲۲).

قانون‌گذار ایرانی گاه بدون آن‌که تعریفی ارائه بدهد، دست به بیان اقسام زده؛ چنان‌که درباره وصیت یا مال یا شرکت تجاری چنین کرده و این روش به آن دلیل است که نتوانسته به تعریفی جامع از یک ماهیت که گونه‌های آن را در بر بگیرد دست پیدا کند (جعفری لنگرودی، اندیشه و ارتقاء، ص ۱۰۰)؛ اما گاه برای آن‌که فهم مفاد حکم را برای تابعان قانون آسان کند یا



حکم را قابل فهم سازد، ناچار از ارائه تعریف است. از این سخن دو نکته حاصل می‌شود: نخست آن‌که اگر آنچه تابعان از یک واژه می‌فهمند با آنچه قانون‌گذار به‌عنوان اهل عرف می‌فهمد با هم یکسانند، نیازی به تعریف قانونی نیست و در این موارد قانون‌گذار در واقع «احاله به عرف» (جعفری لنگرودی، سیستم‌شناسی، ص ۱۲ و همو، اندیشه و ارتقاء، ص ۳۴) می‌کند و دیگر این‌که چون روشی نامعمول در قانون‌نویسی است، قانون‌گذار باید تا جای ممکن از ارائه تعریف پرهیز کند.

اما به واقع و در عمل، این تلقی از تعریف و دور دانستن ارائه تعریف از وظیفه قانون‌گذار، نتیجه تلقی غلط از مفهوم قانون‌گذاری در حقوق مدرن و خلط آن با مفهوم شارع در متون مذهبی است. در قانون‌نویسی نو، آشکار و روشن سخن گفتن از وظایف قانون‌گذار است و در این ضابطه، ارائه تعاریف قانونی، «تکلیف قانونی» و خواست مورد انتظار شهروندان است؛ اما اگر با همین توضیح، ارائه تعریف قانونی نشدنی باشد، قانون‌گذار باید از ارائه تعریف پرهیز کند؛ چنان‌که به رغم توجه عمیق فقیهان به حق، در مقام تعریف آن بر نیامده‌اند (جعفری لنگرودی، اندیشه و ارتقاء، ص ۱۲۹ و ۵۲۸) و تعریفی که قانون مدنی ما در ماده ۱۸۳ به پیروی از قانون مدنی فرانسه کرده، مورد انتقادات بسیار قرار گرفته و قانون‌گذار فرانسوی که تعریف خود را نادرست دیده در اصلاحات ۱۰ فوریه ۲۰۱۶ تعریف خود را تغییر داده، اما ما همچنان بر تعریف نارسای خود ایستاده‌ایم. همین تکلیف به آشکار و روشن سخن گفتن قانون‌گذار فرانسوی را وادار کرده که در اصلاحات ۱۰ فوریه ۲۰۱۶ در ماده ۱۱۰۵، ۱۱۰۷، ۱۱۰۸ و یا ۱۱۱۰ به ترتیب به ارائه تعریف قرارداد معین و غیرمعین، قرارداد معوض و غیرمعوض، قرارداد قطعی و احتمالی و یا قرارداد آزاد و الحاقی بپردازد (Daloz, Code Civil, 2020. P. 1303-1305)؛ در حالی که پیش از آن، نیازی به این تعاریف نمی‌دید. تعاریف قانونی کمک می‌کنند تا از ابهام جلوگیری شود، کاربرد یکسان یک واژه تضمین گردد و اصطلاحات از معانی خود در سایر زمینه‌ها متمایز شوند. این امر به‌ویژه در زمینه‌های پیچیده‌ای مانند قانون مالیات اهمیت دارد؛ جایی که تعاریف می‌توانند از مبهم بودن جلوگیری کرده، از تفسیر نادرست پیشگیری کنند (Borszowski, 2019, P. 1). در واقع، تعاریف قانونی «به منظور محدود کردن حوزه‌های



مبهم استفاده می‌شوند و موارد عدم دقت را محدود می‌کنند» (*loc. cit.*).

۴. آثار عدم ارائه تعریف قانونی

عدم وجود تعاریف در قانون‌گذاری می‌تواند منجر به چندین مشکل به شرح زیر شود:

الف. ابهام و تفسیر نادرست: بدون تعاریف روشن، ممکن است اصطلاحات به طور متفاوتی توسط دادگاه‌ها، نهادهای نظارتی یا عموم مردم تفسیر شوند که این امر به اجرای ناهماهنگ قانون منجر می‌شود. (Ezzerouali, 2023). «هدف این است که اصطلاحات استفاده‌شده توسط قانون‌گذار در متن قانونی استاندارد شوند تا از هرگونه سردرگمی یا ابهام در مورد این اصطلاحات جلوگیری شود» (Ezzerouali, 2023, P. 37). البته گاه ممکن است تعاریف قانونی از این منظر ابهام یا انعطاف‌پذیری را در خود بگنجانند که بتواند با زمینه‌های در حال تحول، مانند پیشرفت‌های فناوری یا تغییرات اجتماعی، سازگار شوند. این ویژگی در تعاریف منطقی کمتر دیده می‌شود (Spector-Bagdady, 2018).

ب. عدم قطعیت قانونی: اصطلاحات تعریف‌نشده می‌توانند برای افراد و سازمان‌هایی که سعی در رعایت قانون دارند، عدم قطعیت ایجاد کنند و در نتیجه ممکن است منجر به تخلفات ناخواسته یا اختلافات حقوقی شوند «عدم توافق در مورد اصطلاحات و مفاهیم حقوقی تنها یک مشکل ارتباطی نیست، بلکه می‌توان آن را به‌عنوان یک مشکل در تعریف اصطلاحات و مفاهیم حقوقی نیز در نظر گرفت» (Schenderra, 2017, P. 675).

پ. شکاف‌های نظارتی: در حوزه‌هایی مانند مراقبت‌های بهداشتی یا حقوق محیط زیست، نبود تعاریف دقیق می‌تواند اجرای سیاست‌ها را با مشکل مواجه کند، مانند آنچه به علت عدم تعریف روشن از «آسیب زیست‌محیطی» که موجب ورود خسارات زیست‌محیطی می‌گردد مشاهده شده است (Bartz, 2009).

ت. چالش‌های اجرایی: اصطلاحات مبهم اجرای قانون را پیچیده می‌کنند، زیرا مقامات ممکن است در تعیین این‌که آیا اقدامات خاص در محدوده قانون قرار می‌گیرند یا نه، دچار مشکل شوند (Gameeva, 2020).



ث. امکان سوءاستفاده: زبان مبهم می‌تواند مورد سوءاستفاده قرار گیرد، چه توسط کسانی که به دنبال دور زدن قانون هستند و چه توسط مقاماتی که ممکن است بخواهند قانون را به دلخواه خود اجرا کنند.

۵. تعریف مطلوب قانونی و ویژگی‌های آن

تعریف قانونی، به‌عنوان یک تعریف شرح‌الاسمی عمدتاً هدف ارتباطی دارد، یعنی معنای قانون‌گذار را از موضوع تعریف روشن می‌کند؛ اما گاه تعریف قانونی توانمندساز است و عملکردی اجرایی دارد؛ با این توضیح که به گروه‌هایی از افراد یا موارد خاص، حقوق یا تعهداتی اعطا می‌کند (Price, 2013).

با توجه به این‌که برخی امور و ماهیات تعریف‌پذیر و برخی دیگر تعریف‌ناپذیر هستند (واحدی، ص ۵)، گاه قانون‌گذار به‌عمد و آگاهانه از ارائه تعریف خودداری می‌کند؛ چنان‌که «در دنیای امروز جرم سیاسی تعریف نمی‌شود؛ چون هر جا که این اتفاق رخ داد و جرم سیاسی تعریف شد، دولت‌های غیرپاسخگو از آن به نفع خود بهره‌برداری کردند. در کشورهایی که از سطح قابل توجهی از توسعه سیاسی و دموکراسی پایدار برخوردارند، جرمی به‌عنوان جرم سیاسی وجود ندارد» (رشیدی و خادمی، ۱۳۹۵، ص ۱۴۶).

تعریف قانونی باید موضوع مورد تعریف را از موضوعات مشابه متمایز کند و خط فاصلی دقیق میان آن‌ها رسم کند تا از ابهام پیشگیری شود. برای نمونه تعریف ارائه‌شده در ماده ۲ قانون مجازات اسلامی (مصوب ۱۳۹۲/۲/۱) که می‌گوید: «هر رفتاری، اعم از فعل یا ترک فعل که در قانون برای آن مجازات تعیین شده است جرم محسوب می‌شود» نتوانسته تمایز میان «جرم» و «اقدامات تأمینی و تربیتی» را به درستی مشخص کند و از این رو مورد انتقاد قرار گرفته است (نک: محسنی، قاسمی و دیبانشاد، ۱۴۰۱، ص ۸-۷).

تعریف به‌خودی‌خود، هرچند مطول و پر دامنه، از بیان دقیق مراد قانون‌گذار ناتوان هستند (جعفری لنگرودی، علم حقوق در گذر تاریخ، ص ۱۶۴-۱۶۳) و از این رو، این اندیشه نادرست است که «هر ماهیت حقوقی را به هر حال (چه رسا و چه نارسا) باید در قالب تعریفی در آورد



ولو این که نام آن تعریف، شرح اسم باشد». (جعفری لنگرودی، *اندیشه و ارتقاء*، ص ۱۰۰). در واقع، «گاه اصلاً تعریف کردن محال است؛ مانند تعریف ژنوسید یا احوال شخصییه... نشان ناتوانی تعریف، همین قانون مدنی ما است که «مال» را تعریف نکرده و رها کرده است» (جعفری لنگرودی، *علم حقوق در گذر تاریخ*، ص ۱۶۴-۱۶۳). قانون مدنی در بسیاری از موارد، تعریفی از واژه‌هایی که به کار برده ارائه نکرده؛ «زیرا در قدیم، عادت بر این مستقر شده بود که در متون قوانین، توجه به ماهیات حقوقی نشود» (جعفری لنگرودی، *فلسفه اعلی در علم حقوق*، ص ۸۸) و به ذکر حکم موضوعات بسنده شود. همین امر، در عمل مشکلاتی را در تفسیر مواد قانونی مربوط به وجود آورده؛ چنان که برای نمونه، قانون‌گذار مدنی ایران از بیان تعریف «رشد» (کاتوزیان، *قواعد عمومی قراردادها*، ج ۲، ص ۲۶) یا «اکراه» (جعفری لنگرودی، *تأثیر اراده در حقوق مدنی*، ص ۴۹۴) یا «رابطه نامشروع مندرج در ماده ۶۳۷ قانون مجازات اسلامی ۱۳۷۵» (نظریه شماره ۶۹۴/۱۴۰۳/۷، مورخ ۳۰/۱۰/۱۴۰۳ اداره حقوق دادگستری) و یا «جعل» (جعفری لنگرودی، *فلسفه اعلی در علم حقوق*، ص ۱۵۴) به رغم اهمیتشان سر باز زده است و روشن است که این نقص و کاستی را در درجه نخست دو گروه باید رفع کنند: حقوقدانان و دادرسان (جعفری لنگرودی، *فلسفه اعلی در علم حقوق*، ص ۱۵۹).

افزون بر آن که در ارائه تعریف قانونی به لحاظ لفظی باید درباره عدم استفاده از الفاظ نامأنوس و دور از ذهن یا به کار بردن الفاظ مشترک، استعاری و متشابه بدون ذکر قرینه و همچنین تکرار غیرضروری دقت شود (*دانشنامه جهان اسلام*، ذیل «تعریف»)، موارد زیر را می‌توان از اهم نکات لازم‌الرعایه در ارائه تعریف قانونی دانست:

الف. جامع و مانع بودن: این شرط گاه این‌گونه بیان شده است که معرف باید جامع افراد و مانع اغیار (مُنْعِکِس و مُطَرِد) باشد. «تعریف جامع آن است که شامل همه نمونه‌های مطلوب باشد. تعریف باید در عین جامع بودن، نمونه‌های نامطلوب (بیگانه یا اغیار) را طرد کند و نگذارد آن‌ها وارد تعریف شوند. برای نمونه، تعریف بیع در فقه نه جامع است و نه مانع» (جعفری لنگرودی، *فن استدلال*، ص ۸۴) یا تعریف جرم در قوانین جزایی ایران جامع و مانع نیست (محسنی، قاسمی و دیبازاد، ۱۴۰۱ ص ۱۴-۱۰) و یا تعریف طرح صنعتی مذکور در ماده ۲۰



قانون حمایت از اختراعات، طرح‌های صنعتی، علائم و نام‌های تجاری، مصوب ۱۳۸۶، مانع اغیار نیست (حبیب‌ا و حنیفی، ۱۳۹۱، ص ۴۴). در مواردی که امکان ارائه یک تعریف جامع و مانع از یک ماهیت یا نهاد وجود ندارد بهتر است قانون‌گذار دست به تعریف، حتی تعریف شرح‌الاسمی نزند و به بیان مصادیق یک مفهوم بپردازد؛ چنان‌که به جای ارائه تعریفی از جرم سیاسی گفته شده: «بهتر است به صورت مصادیقی، جرائمی را به‌عنوان جرم سیاسی مشخص کنیم» (رشیدی و خادمی، ۱۳۹۵، ص ۱۴۸).

ب. وضوح و دقت: تعاریف باید روشن و بدون ابهام باشند تا از سوء تفسیر جلوگیری شود. ابهامات می‌توانند به اختلافات حقوقی منجر شده و اجرای مؤثر قانون را مختل کنند (Price, 2013). درست است که «ظرفیت تعاریف برای ایضاح ماهیات حقوقی، کامل و وافی نیست» (جعفری لنگرودی، اندیشه و ارتقاء، ص ۱۰۲)؛ اما چون یکی از اهداف ارائه تعریف قانونی، در کنار اعطای اختیارات یا محدود کردن حقوق و تعهدات شهروندان و غیره، انتقال واضح قصد قانون‌گذار است، قانون‌گذار در زمان انشای تعریف باید از همه ابزارهایی که به ایضاح قصد او کمک می‌رسانند از علوم ادبی و غیره کمک بگیرد. این امر تضمین می‌کند که قانون به صورت یکنواخت و قابل پیش‌بینی اعمال شود (Macagno, 2015).

پ. ثبات: اصطلاحات باید در سراسر قانون به صورت یکنواخت استفاده شوند تا انسجام حفظ شده، از سردرگمی جلوگیری شود. این امر شامل پرهیز از تعاریف متضاد در همان قانون یا قوانین مرتبط است (McLeod, 2009).

ت. مرتبط بودن به زمینه قانونی: تعاریف باید با هدف و زمینه قانونی همخوانی داشته باشند. آن‌ها باید دامنه و کاربرد مورد نظر قانون را بازتاب کنند (Shobe, 2014 & Gustafson, 2016). تعاریف اغلب متناسب با زمینه خاص قانون تنظیم می‌شوند و هدف و دامنه قانون را منعکس می‌کنند. برای مثال، تعاریف در قوانین ضدتروریسم بر رفتارهای ممنوعه و قصد قانون‌گذار متمرکز هستند.

ث. پرهیز از اتکای بیش از حد به مراجع خارجی: استفاده از تعاریف سایر قوانین می‌تواند در صورت تفاوت زمینه‌ها، باعث سردرگمی شود. «برای بیش از یک قرن، محققان به



تدوین‌کنندگان قوانین هشدار داده‌اند که تعریف اصطلاحات با استفاده از زبان قرض‌گرفته‌شده، که از طریق ارجاع ادغام‌شده^۹ به جای زبان دقیق و سفارشی ایجاد می‌شود، خطرناک است» (Gustafson, 2016).

ج. بررسی پیش از تصویب: انجام بررسی‌های زبانی و کنترل کیفیت در فرایند تدوین می‌تواند به شناسایی و رفع ابهامات معنایی احتمالی قبل از تصویب کمک کند (Carney, 2024). «یکی از راه‌های جلوگیری از چنین ناهنجاری‌های معنایی قبل از انتشار لایحه برای اظهارنظر، اعمال بررسی زبانی^{۱۰} به عنوان بخشی از مرحله بررسی پیش از قانون‌گذاری در فرایند تدوین است. بررسی زبانی شامل استفاده از ابزارها و نظریه‌های مختلف زبانی است که با توجه به چالش‌های زبانی در پیش‌نویس قانون انجام می‌شود» (Carney, 2024).

چ. توانمندسازی در مقابل ارتباط: تعاریف می‌توانند یا برای روشن‌سازی قصد قانون‌گذار یا برای اعطای حقوق و تعهدات استفاده شوند. قانون‌گذاران باید عملکرد اصلی هر تعریف را مشخص کنند (Price, 2013). این ملاحظات اطمینان می‌دهند که تعاریف قانونی مؤثر، قابل تفسیر و هم‌سو با اهداف قانونی باشند.

ح. تعریف نباید مستلزم دور باشد (چه دور مصرح چه دور مضمرب)؛ یعنی نباید معرف را به وسیله معرف تعریف کنند (خوانساری، ۱۴۰۰، ۹۷)؛ مانند تعریف «وزارتخانه» در ماده ۲ قانون محاسبات عمومی (مصوب ۱۳۶۶/۶/۱) که مقرر می‌دارد: «وزارتخانه واحد سازمانی مشخصی است که به موجب قانون به این عنوان شناخته می‌شود». (بیگزاده، ص ۷).

خ. پویایی: تعاریف ممکن است برای تطبیق با تحولات جدید، مانند پیشرفت‌های فناوری یا تغییرات اجتماعی، تکامل یابند تا با گذشت زمان مرتبط باقی بمانند (Gauci, 2016).

د. تنوع بین حوزه‌های قضایی: تعاریف قانونی اغلب بین حوزه‌های قضایی متفاوت هستند و سنت‌های حقوقی محلی، اولویت‌ها و تفسیرها را منعکس می‌کنند (Hill, 2017). «برای بیش از یک قرن، حرفه کار اجتماعی دغدغه توصیف ویژگی‌های منحصر به فرد و خاصی را داشته

9. incorporated reference

10. linguistic audit



است که عملکردهای اصلی آن را در جامعه تعریف می‌کنند. با این حال، این حرفه هنوز نتوانسته است به یک تعریف واحد از کار اجتماعی دست یابد. در غیاب یک تعریف یکپارچه، ۵۱ تعریف قانونی متفاوت از کار اجتماعی توسط هر ایالت و ناحیه کلمبیا ایجاد شده است» (Hill, 2017). «یافته‌ها نشان می‌دهند که ۵۷ درصد از عبارات قانونی، طیف کامل مهارت‌های کار اجتماعی از سطح خرد تا کلان را در تعاریف خود گنجانده‌اند. با این حال، حتی در میان این تعاریف و تعاریف باقی‌مانده، تفاوت‌های گسترده‌ای وجود دارد» (Hill, 2017).

ذ. عملکرد اجرایی: علاوه بر روشن‌سازی معنا، تعاریف قانونی می‌توانند حقوق، تعهدات یا وضعیت‌های حقوقی را به افراد یا نهادها اختصاص دهند و به‌طور مؤثر هویت یا مسئولیت‌های حقوقی آن‌ها را شکل دهند (Price, 2013, p. 999). با توجه به این‌که بین تعاریف قانونی و تفسیر قانونی رابطه وجود دارد (Roznai, 2014 & Price, 2013) تعاریف قانونی نه تنها معنای حقوقی یک اصطلاح را تعیین می‌کنند، بلکه به صورت الزام‌آور، تنها روش استفاده از یک اصطلاح را در شرایط واقعی خاص مشخص می‌کنند (Roznai, 2014).

۶. نتیجه‌گیری و پیشنهاد

تعریف قانونی، برخلاف تعریف منطقی، نه با هدف کشف ماهیت مطلق یا ذات حقیقی اشیا، بلکه به منظور تعیین دایره معنایی مشخص و کاربردی در متن قانون ارائه می‌شود. اگرچه در سنت منطقی، تعریف بر پایه «جنس» و «فصل» صورت‌بندی می‌شود و هدف از آن، دستیابی به صورت عقلی معرف و تمایز دقیق آن از اغیار است، در عرصه قانون‌گذاری، این سطح از دقت و جامعیت، نه تنها ضروری نیست، بلکه در بسیاری از موارد ناممکن یا نامتناسب با کارکرد عملی قانون است.

در منطق، تعاریف به انواع مختلفی مانند تعریف حدی، رسم تام، رسم ناقص و شرح‌الاسمی تقسیم می‌شوند که هرکدام ویژگی‌ها و کارکردهای خاص خود را دارند. در این میان، تعریف شرح‌الاسمی جایگاه ویژه‌ای در متون قانونی دارد. این نوع تعریف برخلاف تعاریف حدی که به جنس و فصل یک مفهوم می‌پردازند، به ساده‌ترین شکل ممکن مفهوم را با واژگان متداول



و شناخته شده شرح می‌دهد.

با وجود این، تعریف شرح‌الاسمی بدون مشکل و به دور از ایراد نیست؛ از جمله این‌که به دلیل عدم بیان ویژگی‌های ذاتی، مرزهای مفهومی روشنی ارائه نمی‌کند و در برخی موارد، زمینه سوء تفسیر را فراهم می‌آورد. این محدودیت‌ها باعث شده تا تعاریف شرح‌الاسمی نتوانند در همه موارد، ایضاح کامل و دقیقی از مفهوم مورد نظر قانون‌گذار به دست دهند؛ اما به دلیل سادگی و کارآمدی در انتقال مفاهیم، همچنان در نظام‌های حقوقی مورد استفاده قرار می‌گیرند. تمایز میان تعریف منطقی و تعریف قانونی زمانی برجسته‌تر می‌شود که به نحوه مواجهه با ماهیت در هر یک از آن‌ها دقت شود. در حالی‌که تعریف منطقی مبتنی بر شناخت ذات و ذاتیات است، تعریف قانونی در برخی موارد ممکن است به ماهیت عرفی یا کارکردی استناد و در مواردی دیگر، تنها به شرح‌الاسم بسنده کند. این امر به‌ویژه در حقوق، که نیازمند کاربست عملی، تسریع در تصمیم‌گیری و امکان تفکیک دقیق در مقام اجرا است، اهمیتی مضاعف می‌یابد. با توجه به این‌که در تعریف قانونی، هدف، تعیین حدود معنایی واژه‌ها و اصطلاحات به گونه یکسان و یکنواخت است تا اجرای منسجم قواعد و موازین حقوقی فراهم گردد، تعریف قانونی، یک ابزار مفهومی و همچنین یک ابزاری هنجاری است که نقش صرفاً توصیفی ندارد، بلکه در بسیاری از موارد تجویزی است و به دیگر سخن، برداشت الزام‌آور و لازم‌الاتباع قانون‌گذار از یک واژه یا اصطلاح را بیان می‌کند که الزاماً با مفهوم واقعی همسان و یگانه نیست.

همچنین باید میان «تعریف» به معنای دقیقش و آنچه در متون قانونی تحت عنوان تعریف ارائه می‌شود، تمایز نهاد. بسیاری از مواردی که در قوانین مصوب ایران در ذیل ماده‌ای با عنوان «تعاریف» گنجانده می‌شوند، فاقد خصیصه‌های تعریف هستند و بیش‌تر نقش اختصارات یا توضیحات کاربردی را ایفا می‌کنند. از این رو، پیشنهاد می‌شود که عنوان «تعاریف و اختصارات» برای این ماده به کار رود، چرا که همه این موارد را نمی‌توان از منظر منطقی یا حتی اصطلاح‌شناسی حقوقی، تعریف تلقی کرد.



۷. منابع

۷-۱- منابع فارسی

الف) کتب

۱. بیگ زاده، صفر (۱۳۹۰)، فرهنگ تعاریف قانونی، تهران: نشر کلک صبا
۲. دانشنامه جهان اسلام، مدخل «تعریف»
۳. جعفری لنگرودی، محمد جعفر (۱۳۸۱). فلسفه اعلی در علم حقوق، تهران: گنج دانش
۴. جعفری لنگرودی، محمد جعفر (۱۳۸۱). فن استدلال در منطق حقوق اسلام، تهران: گنج دانش
۵. جعفری لنگرودی، محمد جعفر (۱۳۸۵). سیستم شناسی در علم حقوق، تهران: گنج دانش
۶. جعفری لنگرودی، محمد جعفر (۱۳۸۶). اندیشه و ارتقا، تهران: گنج دانش
۷. جعفری لنگرودی، محمد جعفر (۱۳۸۶). تأثیر اراده در حقوق مدنی، تهران: گنج دانش
۸. جعفری لنگرودی، محمد جعفر (۱۳۸۶). روش جدید در مقدمه عمومی علم حقوق، تهران: گنج دانش
۹. جعفری لنگرودی، محمد جعفر (۱۳۸۵). علم حقوق در گذر تاریخ، تهران: گنج دانش
۱۰. جعفری لنگرودی، محمد جعفر (۱۳۸۸). فلسفه حقوق مدنی، ج ۱، ویراست دوم، تهران: گنج دانش
۱۱. کاتوزیان، ناصر (۱۳۷۶). عقود معین، ج ۱، ویراست ششم، تهران: انتشارات سهامی انتشار بهمن برنا
۱۲. کاتوزیان، ناصر (۱۳۷۶). قواعد عمومی قراردادها، ج ۲، ویراست چهارم، تهران: انتشارات سهامی انتشار بهمن برنا
۱۳. خوانساری، محمد (۱۳۳۶). فرهنگ اصطلاحات منطقی، تهران: بنیاد فرهنگ ایران
۱۴. خوانساری، محمد (۱۳۹۹). دوره مختصر منطق صوری، تهران: انتشارات دانشگاه تهران
۱۵. معین، محمد (۱۳۸۷). فرهنگ فارسی معین، تهران: امیرکبیر
۱۶. قاضی شریعت پناهی، ابوالفضل (۱۳۹۸). بایسته های حقوق اساسی، تهران: میزان



۱۷. صلیبا، جمیل (۱۳۶۶). فرهنگ فلسفی (منوچهر صانعی دره بیدی: مترجم)، تهران: انتشارات حکمت

ب) مقالات

۱۸. اسدی، پریسا و مرتضی شهبازی نیا (۱۴۰۳). «بازخوانی مفهوم قانون به عنوان منبع تولید قاعده‌ی حقوقی در اندیشه‌ی میرزا ملکم خان». پژوهش‌های حقوق تطبیقی دوره ۲۸، شماره ۴ صص ۱۶۱ - ۱۹۸

۱۹. حبیبیا، سعید و نسیم حنیفی (۱۳۹۱). «بررسی تطبیقی تعریف و معیارهای ثبت طرح صنعتی در قانون مصوب ۱۳۸۶». پژوهش‌های حقوق تطبیقی دوره ۱۶، شماره ۱ صص ۲۵-۴۷

۲۰. محسنی، فرید و ناصر قاسمی (۱۴۰۱). «آسیب شناسی تعریف قانونی جرم»، جامعه شناسی سیاسی ایران، شماره ۲۴ صص ۱۷۵۹ - ۱۷۸۷

۲۱. رشیدی، احمد و امین خادمی (۱۳۹۵). «جرم سیاسی و چالش‌های فرا روی تعریف آن در ایران»، فصلنامه مطالعات سیاسی، تابستان ۱۳۹۵ - شماره ۳۲، صص ۱۳۱ - ۱۵۰

۲۲. واحدی، ب. (۱۳۸۳). «رویکرد ابوعلی سینا به نظریه تعریف» مقالات ارائه شده به همایش بین المللی ابوعلی سینا

۲.۷- منابع انگلیسی

23. Bartz, R., Heink, U., & Kowarik, I. (2009). "Proposed definition of environmental damage illustrated by the cases of genetically modified crops and invasive species." *Conservation Biology*, 24(3), 675-681. <https://doi.org/10.1111/j.1523-1739.2009.01385.x>
24. Borszowski, P. (2019). "Legal definitions in tax law serving to limit the area of vagueness (remarks against the background of the anti-avoidance clause)".
25. Prawo Budżetowe Państwa i Samorządu, 1. <https://doi.org/10.12775/PBPS.2019.002>



26. Carney, T. (2024). "Pre-legislative scrutiny during the drafting process." *Journal for Juridical Science*. <https://doi.org/10.38140/jjs.v49i2.7493>
27. Ezzerouali, S., & Chami, Y. (2023). "Inclusion of definitions in legislative drafting: A necessity or a luxury?" *Mazahib*, 22(1). <https://doi.org/10.21093/mj.v22i1.5298>
28. Gauci, G. M. (2016). Is it a vessel, a ship or a boat, is it just a craft, or is it merely a contrivance?
29. Hill, K., Fogel, S., Donaldson, L. P., & Erickson, C. L. (2017). "State definitions of social work practice: Implications for our professional identity." *Journal of Evidence-Informed Social Work*. <https://doi.org/10.1080/23761407.2017.1319775>
30. Macagno, F., & Damele, G. (2015). "The hidden acts of definition in law: Statutory definitions and burden of persuasion." In M. Araszkievicz & K. Pleszka (Eds.), *Logic in the theory and practice of lawmaking* (Legisprudence Library, Vol. 2). Springer. https://doi.org/10.1007/978-3-319-19575-9_9
31. Roznai, Y. (2014). "'A bird is known by its feathers'—On the importance and complexities of definitions in legislation." *The Theory and Practice of Legislation*, 2(2), 145–167. <https://doi.org/10.5235/2050-8840.2.2.145>
32. Schenderra, C. (2017). "Die Verständlichkeit von Rechtstexten und interaktionsorientierter Ansatz." *Journal of Language and Communication in Business*, 15(29), 125. <https://doi.org/10.7146/hjlc.v15i29.25700>
33. Shaterian, M., & Yahyazadeh, J. (2023). "Characteristics of law and an introduction to the general policies of the lawmaking system." *Islamic Law and Jurisprudence Studies*, 15(33), 127–152. <https://doi.org/10.22075/feqh.2022.27304.3272>
34. Spector-Bagdady, K., Prince, A., Yu, J.-H., & Appelbaum, P. (2018). "Analysis of state laws on informed consent for clinical genetic testing in the era of genomic sequencing." *American Journal of Medical Genetics Part C: Seminars in Medical Genetics*. <https://doi.org/10.1002/ajmg.c.31608>
35. Code civil. (2020). 119th ed. Paris: Dalloz.
36. Copi, I. M. (2015). *Introduction to logic*. Pearson.
37. Gameeva, E., Kostin, A., Alekseeva, G. S., Ogneva, E. Y., Gabay, P. G., Pashigorova, L. V., & Kalita, E. V. (2020). "Medical rehabilitation: A study of problems of legal definition. The intersection of the concepts of medical rehabilitation, prevention and treatment." *Research and Practical Medicine Journal*.



<https://doi.org/10.17709/2409-2231-2020-7-3-12>

38. Hurley, P. J. (2014). *A concise introduction to logic*. Cengage Learning.
39. Jurjani, M. ibn A. (2013). *Al-Ta'rifāt [Definitions]*. Beirut: Dar al-Kutub al-'Ilmiyyah.
40. Macagno, F. (2010). "Definitions in law." *Bulletin Suisse de Linguistique Appliquée*, 200.
41. Price, J. (2013). "Wagging, not barking: Statutory definitions." *Scholarly Works*, 764

منابع فارسی به انگلیسی

42. Asadi, P., & Shahbazinia, M. (2024). "Revisiting the concept of law as a source of producing legal rules in the thought of Mirza Malkom Khan." *Journal of Comparative Law Research*, 28(4). [In Persian]
43. Habiba, S., & Hanifi, N. (2012). "A comparative study of the definition and criteria for registration of industrial designs under the 2007 Act." *Journal of Comparative Law Research*, 16(1). [In Persian]
44. Mohseni, F., Ghasemi, N., & Dibanzhad, M. (2022). "Pathology of the definition of crime." *Iranian Journal of Political Sociology*, 5(8). [In Persian]
45. Rashidi, A., & Khademi, A. (2016). "Political crime and the challenges surrounding its definition in Iran." *Political Studies Quarterly*, 8(32). [In Persian]
46. Vahedi, B. (2004). "Avicenna's approach to the theory of definition." In *Proceedings of the International Avicenna Conference*. [In Persian]
47. Bigzadeh, S. (2012). *Dictionary of legal definitions*. Tehran: Kolk-e Saba. [In Persian]
48. *Encyclopaedia of the Islamic World*. (n.d.). Entry: "Definition." [In Persian]
49. Jafari Langroudi, M. J. (2003). *Supreme philosophy in the science of law*. Tehran: Ganj-e Danesh. [In Persian]
50. Jafari Langroudi, M. J. (2003). *The art of legal reasoning*. Tehran: Ganj-e Danesh. [In Persian]
51. Jafari Langroudi, M. J. (2007). *Systemology*. Tehran: Ganj-e Danesh. [In Persian]
52. Jafari Langroudi, M. J. (2008). *Thought and development*. Tehran: Ganj-e Danesh.



- [In Persian]
53. Jafari Langroudi, M. J. (2008). The effect of will in civil law. Tehran: Ganj-e Danesh. [In Persian]
54. Jafari Langroudi, M. J. (2008). A new method in the general introduction to the science of law. Tehran: Ganj-e Danesh. [In Persian]
55. Jafari Langroudi, M. J. (2008). The science of law through history. Tehran: Ganj-e Danesh. [In Persian]
56. Jafari Langroudi, M. J. (2011). Philosophy of civil law (Vol. 1, 2nd ed.). Tehran: Ganj-e Danesh. [In Persian]
57. Katouzian, N. (1997). Specified contracts (Vol. 1, 6th ed.). Tehran: Sherkat-e Sahami-ye Enteshar with Bahman Borna. [In Persian]
58. Katouzian, N. (1997). General rules of contracts (Vol. 2, 4th ed.). Tehran: Sherkat-e Sahami-ye Enteshar with Bahman Borna. [In Persian]
59. Khansari, M. (1957). Dictionary of logical terminology. Tehran: Bonyad-e Farhang-e Iran. [In Persian]
60. Khansari, M. (2021). A concise course on formal logic. Tehran: University of Tehran Press. [In Persian]
61. Moein, M. (2009). Moein Persian dictionary. Tehran: Amir Kabir. [In Persian]
62. Qazi (Shariat Panahi), S. A. F. (2019). Fundamentals of constitutional law. Tehran: Mizan Publishing. [In Persian]
63. Saliba, J. (1987). Philosophical dictionary (M. Darreh-Bidi, Trans.). Tehran: Hikmat Publications. [In Persian]